

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصلی الله علی محمد وآله الطاهین

مطالعات قرآنی و حدیث

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و حدیث

سال چهارم، شماره اول / پاییز وزمستان ۱۳۸۹

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر رضا محمدزاده

سرمدیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید محمدباقر حجتی استاد دانشگاه تهران
سید حسن سعادت مصطفوی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فرودسی
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

مترجم چکیده‌ها به انگلیسی: دکتر محمود کریمی

مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۱۶۸ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

E-mail: Quranmag@isu.ac.ir

Quranmagisu@mihanmail.ir

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

http://mag.isu.ac.ir

E-mail: mag@isu.ac.ir

گونه‌شناسی روش‌های تفسیری امام علی^(ع) نزد اهل سنت

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۱۷

قاسم بستانی *

محمد جعفر نژاد **

چکیده

تفسیر به معنای بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن، از نخستین اشتغالات علمی مسلمانان است و از عصر نزول قرآن شروع شده و تا امروز ادامه دارد. از نظر تاریخی مفسرین به طبقاتی تقسیم می‌شوند که مهمترین آن‌ها؛ طبقه نخست یعنی صحابه پیامبر اکرم (ص) مانند: علی (ع)، ابوبکر، عمر، عثمان، ابن عباس، عبد الله بن عمر، ابی بن کعب، ابن مسعود و... می‌باشند.

یکی از علل اهمیت این طبقه و تفسیرهایش درک محضر پیامبر (ص) و بهره‌مندی از ایشان در بیان قولی و عملی قرآن کریم است. هر چند، به سبب تضارب اقوال و تفاسیر منسوب به این طبقه، باید در کل نسبت به تفاسیر آن‌ها احتیاط کرده و به صرف انتساب تفسیری به یک صحابه (خواه مرفوع و خواه موقوف)، آن را تفسیری منسوب به پیامبر (ص) ندانست.

مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای و ابتدا بر اساس منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت و سپس برای اتمام فائده منابع شیعی به این پرسش اصلی می‌پردازد که روش‌های تفسیری امام علی (ع) از بارزترین مفسرین این طبقه، چه بوده است؟ امید است با این مقاله، گامی نه چندان بزرگ در مسیر شناخت و معرفی بزرگ مرد تاریخ اسلام و نقش حیاتی ایشان در تبیین و تفهیم معانی قرآن و قالب‌ریزی روشمند تفسیر قرآن برداشته شود و همچنان جایگاه والای این امام همام تعظیم و تکریم گردد.

واژگان کلیدی

حضرت علی^(ع)، قرآن کریم، روش، تفسیر

Gbostanee@yahoo.com

M_nejjad@yahoo.com

* دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه شهید چمران اهواز

** استادیار دانشکده الهیات دانشگاه پیام نور اهواز

طرح مسئله

سخن از برتری علمی و عملی امام علی(ع) و عظمت جایگاه ایشان در اسلام و وفور علم و دانش او در فهم دین و قرآن و سنت، از حقائق غیر قابل مناقشه بین فریقین بلکه عموم علمای اسلام و جهان است و این بزرگی جایگاه در علم و عمل، آثار مبارکی را بر جای گذاشته است. از جمله این علوم، علم تفسیر می‌باشد. مطالعه و بررسی تفاسیر مختلف مسلمانان نشانگر حضور امام علی(ع) در فهم و استنباط آیات قرآن، بر اساس روش‌های مختلف است و معلوم می‌گردد که مسلمانان از دیر باز در فهم و استنباط قرآن، مدیون نظرات و تعالیم این بزرگوار بوده‌اند.

این روش‌ها، بر اساس نمونه‌های تفسیری، ابتدا از تفاسیر اهل سنت استخراج شده‌اند، سپس به تفاسیر شیعی که همچون تفاسیر اهل سنت، آن نمونه تفسیری را متذکر شده‌اند، اشاره می‌گردد. لازم به ذکر است که:

الف) چه بسا، به نظر آید که نیازی به ذکر مآخذ و منابع بسیار ذیل هر بحثی نباشد، اما نویسندگان در این امر تعمد داشته و قصد آن دارند که علاوه بر نقش کیفی تفسیر امام(ع)، متذکر وسعت کمی استفاده از این تفسیر را به خصوص نزد اهل سنت یادآور شوند.

ب) این مقاله در صدد بررسی تفاسیر امام(ع) و شرح، تبیین و تأیید آن‌ها نمی‌باشد که خود می‌تواند موضوع مقاله‌ای مستقل، بلکه پژوهشی گسترده باشد، آنچه مدنظر است، استخراج روش‌های تفسیری حضرت بر اساس تفاسیر ایشان می‌باشد.

ج) در کتبی که به بررسی روش‌های تفسیر اصحاب پرداخته‌اند و به طور کلی به موضوع روش‌های تفسیری پرداخته‌اند، مطلبی تحت عنوان روش تفسیری امام علی(ع) مشاهده نشد. لذا در این مقاله سعی شده است تا به طور خاص بدین امر پرداخته شود و با مراجعه به کتب تفسیری این روش‌ها به صورت صریح استخراج شوند، هرچند که عموماً روش‌های مورد استفاده امام علی(ع) نزد دیگر اصحاب نیز شناخته شده است.

د) مراد از محور بودن تفاسیر اهل سنت، آن است که روش‌های تفسیری امام(ع)، بر اساس تفاسیر برگزیده اهل سنت استخراج و مشخص شده‌اند، اما برای تعمیم فائده

به تفاسیر برگزیده شیعی که همان روش و همان مطلب را متذکر شده‌اند، نیز رجوع کرده‌ایم.

بررسی تفاسیر مختلف نشان می‌دهد که امام(ع) از روش‌های تفسیری متنوع و متعددی بهره می‌جسته‌اند که چه بسا بتوان آن‌ها را در موارد ذیل جمع‌بندی کرد:

۱. التزام به ظاهر قرآن در صورت عدم وجود قرینه‌ای صارفه

نگاهی به برخی از آیاتی که به این روش تفسیر شده‌اند:

۱-۱. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» (مائده: ۶).

نقل شده است که علی(ع) برای هر نمازی وضو می‌گرفتند، چون ظاهر آیه دلالت بر وضو برای هر نمازی می‌کند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۱۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۸۹؛ نحاس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۷۰؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۵۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۲۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۶۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۷۸؛ طحاوی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۶۶؛ دارمی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۱۶۸؛ صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۴۵۸؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۱) و نیز (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۶۶؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۲؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۰۰؛ بروجردی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۴۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۱۵؛ علی بن ابی طالب(ع)، ۱۳۸۰، ص ۳۱۱).

۲-۱. «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (بقره: ۱۸۵).

نقل شده که امام(ع) با توجه به ظاهر این آیه، فرموده است: کسی که رمضان را در حالی که مقیم است درک کند و سپس به مسافرت برود، باید روزه بگیرد چون خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (بقره: ۱۸۵) (طبری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۵۰؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۳۸؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ابن ابی حاتم، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۲؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۰۳؛ مسلم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۴۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۶۶؛ متقی هندی،

۱۴۰۹، ج ۸، ص ۶۰۸؛ ابن حزم، بی تا (الف)، ج ۶، ص ۲۴۷) و نیز (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۲۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱؛ میرزا محمد مشهدی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵۶؛ قبانچی، ۱۴۱۹، ج ۸۸، ص ۲؛ سبحانی، ۱۴۱۶، ص ۲۹۳).

۳-۱. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره: ۲۳۳) و «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵).

نقل شده است که امام (ع) با استناد به ظاهر این دو آیه، به براءت زنی که متهم به زنا شده بود به این علت که بعد از سپری شدن ۶ ماه از ازدواجش وضع حمل کرده بود، حکم می‌کند، از این حیث که خدای تعالی می‌فرماید: «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»، و از سوی دیگر مدت شیر دادن را دو سال تمام دانسته و فرموده است: «حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» و وقتی ۲ سال (۲۴ ماه) از ۳۰ ماه کسر شود، ۶ ماه باقی می‌ماند، لذا حداقل مدت حمل ۶ ماه است و بدین ترتیب، ایشان با جمع بین دو آیه و ظاهر آن‌ها، آن زن را از تهمت زنا محصنه و سنگسار شدن تبرئه نمودند (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۳، ص ۳۵۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۸۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۱۶۵؛ بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۴۴۲؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۵۵۹؛ غرناطی، ۱۴۰۳، ص ۸۴؛ سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲۷، ص ۲۸۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۱۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۰۵-۲۰۶؛ ابن العربی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۶) و نیز (حویزی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۱۸، ص ۱۰۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۳۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۰، ص ۱۱۱؛ امینی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۶۳).

۲. شناخت ناسخ از منسوخ و عمل به ناسخ

نسخ، یعنی برداشتن حکم شرعی قدیم به وسیله حکم شرعی جدید که بعد از آن آمده باشد (قتاده، ۱۴۰۹، ص ۶؛ ابن حزم، بی تا(ب)، ج ۴، ص ۴۳۹؛ غزالی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۷) و نیز (بهائی، ۱۴۲۳، ص ۱۵۴؛ خوئی، ۱۴۱۳، ص ۲۸۸).

همچنان که تصریح می‌شود، امیرالمؤمنین علی(ع) تأکید فراوان داشته‌اند که بدون علم به ناسخ و منسوخ نباید به تفسیر قرآن دست یازید. نقل شده است که ایشان قصه گویی را مورد خطاب قرار دادند که آیا آشنایی به ناسخ و منسوخ داری؟ گفت: خیر.

امام فرمودند: «هم خود را و هم دیگران را هلاک کردی» (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ غرناطی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۳؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۶؛ سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۵؛ ابن حزم، ۱۴۰۶، ص ۵؛ أبوخیثمه، بی تا، ص ۳۱؛ بیهقی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۱۷؛ زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۹؛ قتاده، ۱۴۰۹، ص ۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۴۳) و نیز (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۶۳).

برای مثال در این زمینه می‌توان به مورد ذیل اشاره کرد:

۲-۱. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ» (مجادله: ۱۲).

از علی(ع) روایت شده که فرمود: در کتاب خدا آیه‌ای است که احدی قبل از من و بعد از من به آن آیه عمل نکرده و نمی‌کند و آن آیه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ» است، که من یک دینار داشتم، آن را به ده درهم فروختم، هر بار که با رسول خدا (ص) نجوی کردم قبل از نجوی یک درهم صدقه دادم، و بعد از آن آیه نسخ شد، پس احدی به جز من به آن عمل نکرد تا آنکه آیه شریفه: «أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ...» (مجادله: ۱۳) نازل شد و حکم صدقه را نسخ کرد (سیوطی، بی تا، ج ۹، ص ۴۴۰؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۶؛ عبدالباقی، ۱۴۱۷، ص ۹۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۷۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۵۰؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۳، ص ۲۴۸؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۴۸؛ ابن الجوزی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۳۵) و نیز (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۲۹؛ بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۰۹۹؛ خوئی، ۱۳۹۵، ص ۳۷۳ به بعد ...).

۳. استناد به لغت عرب

استناد به لغت عرب در تفسیر، به معنای اکتفا به فهم عرب نسبت به الفاظ خود، هنگام نزول قرآن می‌باشد که روشی کهن در فهم قرآن شمرده می‌شود. ذیلاً نمونه‌هایی چند از این نوع استناد از سوی امام علی(ع) ذکر می‌شود:

۳-۱. «و الْمُطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (بقره: ۲۲۸).

نقل می‌شود که امام (ع) در تفسیر این آیه فرموده است: «مراد از «اقرء» حیض است و عده زن تمام نمی‌شود تا این که از حیض سوم پاک شود و در مورد زن مطلقه گفته‌اند که بعد از این که زن از حیض سوم غسل نماید (وارد پاکی چهارم شود) شوهرش حق رجوع نخواهد داشت» و «قروء» جمع «قرء» و در لغت عرب به معنی حیض است (شستنی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۸؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۳۱۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۷۲؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۵۷؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۶۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۰۸؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۸۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۲۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۰۷) و نیز (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۶؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸۶).

لازم به ذکر است که «قرء» به معنای «طهر» نیز گفته شده است (جوهری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۷؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۶۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲۸).

۳-۲. «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» (نساء: ۴۳).

نقل می‌شود که حضرت علی (ع) در تفسیر این عبارت فرموده‌اند: مراد از «لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» ملامست به معنای حقیقی آن نیست چنانچه بعضی پنداشته‌اند، بلکه این جمله تعبیری کنایی است و مراد از آن، جماع می‌باشد (طبری، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۹۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۱۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۷؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۴۶؛ خازن، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹۸؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۵۰) و نیز (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۰۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۱۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۰).

لازم به ذکر است که در جوامع روایی شیعه موارد متعددی وجود دارد که صریح تر از نمونه‌های فوق، بر استناد حضرت به لغت عرب دلالت دارد. از جمله می‌توان به کاربرد تعبیر «قد تقول العرب...» توسط آن حضرت اشاره کرد (صدوق، ۱۴۰۳، صص ۲۵۵-۲۶۹).

۴. تفسیر قرآن با قرآن

تفسیر قرآن به قرآن که برای رفع ابهامات ظاهری برخی از آیات قرآن و دستیابی به معنای مراد و نهایی خداوند، از دیرباز به کار رفته است، اشکال مختلفی دارد که ذیلاً به برخی اشکال و مصادیق آن‌ها بنابر تفسیرهای منسوب به امام علی(ع) اشاره می‌شود:

۴-۱. حمل مجمل بر مبین

مجممل آنست که مراد از آن پوشیده باشد به گونه‌ای که بدون تفسیر نمی‌توان آن را درک کرد و مبین آنست که مراد آن آشکار باشد و نیازی به تفسیر نداشته باشد (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۲).

۴-۱-۱. «هَدِيًّا بَالِغَ الْكَعْبَةِ» (مائده: ۹۵).

نقل شده هنگامی که مردی از علی(ع) درباره آیه «هَدِيًّا بَالِغَ الْكَعْبَةِ»، پرسید: هدی از چه چیز باید باشد؟ فرمود: از هشت جفت، مرد سائل مثل این که نفهمید و به شک افتاد، امام فرمود: شما قرآن می‌خوانید؟ مرد سائل گفت: آری می‌خوانیم، امام فرمود: هیچ شنیده‌ای که خدای تعالی فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهَيْمَةَ الْأَنْعَامِ» (مائده: ۱). گفت: آری. حضرت فرمود: شنیده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: «وَمِنَ الْأَنْعَامِ حُمُولَةٌ وَفَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ...» (حج: ۳۴). گفت: آری همه این‌ها را شنیده‌ام. امام فرمود: آیا شنیده‌ای که می‌فرماید: «مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ أَلَذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أُمُّ الْأَثْنَيْنِ أَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَثْنَيْنِ نُبُونِي بَعْلَمَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ...» (انعام: ۱۴۳-۱۴۴).

گفت: آری شنیده‌ام. فرمود: آیا شنیده‌ای که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَاماً لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (مائده: ۹۵).

گفت: آری شنیده‌ام. فرمود: اگر من آهویی شکار کنم و بکشم، در این صورت چه کفاره‌ای بر من واجب می‌شود؟ گفت: یک گوسفند. علی(ع) پرسید: آیا باید آن را به

کعبه برسانم؟ گفت: آری. حضرت فرمود: مطلب همین است. چون همان طوری که شنیده‌ای خداوند آن «هدی» را «بالغ الکعبه» نامیده است (سیوطی، بی تا، ج ۳، ص ۱۳؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۲۲۹؛ عبدالباقی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۹۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۳۱) و نیز (طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۷۹؛ قبانچی، ۱۴۱۹، ج ۹۳، ص ۱۳).

۴-۱-۲. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱).

نقل می‌شود که امام علی (ع) در مورد آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» با توجه به این آیه «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (نساء: ۱۴۱)، فرموده است که مراد از آن در روز قیامت می‌باشد (طبری، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۳۲۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۶۵؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۳۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۷۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۹۹؛ غرناطی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۷۱؛ ثوری، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۱۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۳۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۹۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۹۰؛ صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷۵؛ شنقیطی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۵۵) و نیز (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۶۳؛ قبانچی، ۱۴۱۹، ج ۳۲، ص ۴؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۸۸).

۴-۱-۳. «وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ» (طور: ۵).

نقل می‌شود که ایشان در تفسیر آیه: «وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ» (طور: ۵)، با استناد به آیه: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ» (انبیاء: ۳۲) می‌فرماید که مراد از «سقف مرفوع»، «آسمان» است (طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۲، ص ۴۵۷؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۱۰؛ بوصیری، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۹۲؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۴۳۶؛ مجاهد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۲۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۱۹) و نیز (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۹۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۲۴۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۱۹، ص ۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵، ص ۱۰۷).

۴-۲. حمل مطلق بر مقید

مطلق آن است که بر ماهیت بدون قید دلالت کند یا لفظی است که دال بر معنایی شایع در جنس خودش باشد و مقید، لفظی است که دال بر معنایی غیر شایع باشد (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۰۴؛ و نیز: قبانچی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۷).

نمونه این مورد چنین است:

۴-۲-۱. «السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده: ۳۸).

نقل می‌شود که امام (ع) برای مثال در مسأله قطع دست دزد، مطلق قطع در آیه سرقه را بر مقیدش در آیه محاربه، به عدم مطلق قطع حمل می‌نموده و در صورت تکرار سرقت بیشتر از یک دست و یک پا قطع نمی‌کردند؛ بدین گونه که برای بار اول، دست راست و برای بار دوم پای چپ، و برای بار سوم به جای قطع، حکم به تعزیر و حبس داده‌اند؛ چون ایشان آیه «السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده: ۳۸) را بر آیه محاربه «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ» (مائده: ۳۳) حمل کرده و فرموده‌اند: خداوند در آیه محاربه بیش از قطع یک دست و یک پا نگفته است.

ایشان چنین کسی را حبس می‌کرد و می‌فرمود: من از پروردگارم حیا می‌کنم از این که او را طوری بی دست کنم که نتواند خود را بشوید و نظیف کند و آن چنان بی پا کنم که نتواند به سوی قضای حاجتش برود (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۴، ص ۱۹۳؛ مالک، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۴۹؛ صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۸۶؛ خواجه‌یوبی مازندرانی، بی‌تا، ص ۱۸۴) و نیز (عیاشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۳۹؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۱۹۰؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۸۷؛ کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۷، ص ۳۱۳).

۴-۳. حمل عام بر خاص

عام، لفظی است که شامل تمام افرادی می‌گردد که بدان عام نامیده می‌شوند و صلاحیت آن عام را دارند و قاعده آنست که هر عامی بر عمومیت خویش باقی است تا زمانی که توسط مخصّصی، تخصیص شود (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۱).

ذیلاً برخی از مصادیق این نوع تفسیر از امام علی (ع) ذکر می‌شود:

۴-۳-۱. نقل می‌شود وقتی از ایشان (ع) درباره مردی که مالک دو خواهر است و با یکی دخول کرده است، پرسیده شد که آیا می‌تواند با دیگری هم جماع نماید؟ فرمود: خیر، تا خواهر اولی را از ملکیت خویش خارج ننماید حق جماع با خواهر دیگر را ندارد و نیز می‌فرماید: آیه‌ای از قرآن [جمع بین دو خواهر] را حرام کرده و آیه‌ای دیگر حلال، و من در این مساله نه امر می‌کنم و نه نهی، و نه حلال می‌کنم و نه حرام، ولی خودم و اهل بیتم این کار را نمی‌کنیم.

مراد از آیه‌ای که حلال کرده، آیه: «إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۶) و آیه‌ای که حرام کرده، آیه: «وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ» (نساء: ۲۳) می‌باشد که بین این دو آیه عموم و خصوص وجود دارد، به گونه‌ای که عمومیت تمتع به کنیز با آیه عدم جواز جمع بین دو خواهر تخصیص می‌یابد (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵ و ج ۳، ص ۷۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۵۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶۸؛ غزالی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۵۱۴؛ تبریزی، بی تا، ص ۵۴؛ صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ ابن حزم، بی تا(ب)، ج ۹، ص ۵۲۲) و نیز (طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۵۸؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۳۲۷).

۴-۳-۲. نقل می‌شود که ایشان (ع) در مورد عده زن شوهر مرده چنین حکم داده که وی باید بیشترین مهلت را بگذراند. چنین حکمی با در نظر گرفتن دو آیه: «وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره: ۲۳۴) و «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق: ۴) می‌باشد؛ بدین گونه که زن حامله شوهر مرده اگر قبل از ۴ ماه وضع حمل کند باید عده را تکمیل کند و به عموم آیه دوم عمل نمی‌کند و این آیه (آیه دوم) ب آیه اول تخصیص پیدا می‌کند و چنانچه عده ۴ ماه و

۱۰ روز را تکمیل کند، عده‌اش تمام نمی‌شود جز با وضع حمل، چون عموم آیه اول به آیه دوم تخصیص یافته است. این دو آیه از جهتی عام و از جهتی خاص هستند و هر یک از جهتی مخصّص دیگری است (زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۸۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۱، ص ۷۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۳۷۷؛ نسفی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۴۴۲) و نیز (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۹۸؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۱۶۳).

۵. تفسیر قرآن با سنت

یکی از روش‌های کهن و معمول در تفسیر قرآن، تفسیر به سنت یا تفسیر منقول و متأثر است، زیرا بنا بر اجماع بسیاری از مجملات و مبهمات قرآنی توسط پیامبر (ص) شرح و تفسیر شده‌اند. این روش، همچنین مورد عنایت علی (ع) در فهم و تفسیر قرآن بوده است. ذیلاً به مواردی از این نوع تفسیر از ایشان اشاره می‌شود:

۵-۱. «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره: ۲۳۸).

نقل می‌شود که امام (ع) با استناد به حدیث رسول الله (ص) که در روز احزاب فرمودند: *شَبِعَلُونَا عَنِ الصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ صَلَاةِ الْعَصْرِ، مَلَأَ اللَّهُ بِيَوْمِ قَوْمِمْ وَ قُبُورِهِمْ نَارًا*، می‌فرماید: مراد از «الصلاة الوسطی»، «نماز عصر» است (طبری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۶۸؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۳۸۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۴؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸۱؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۴۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۷۱؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۸۱؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۴۵؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۷۳؛ طحاوی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۳؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۲۳۴۹؛ مسلم نیشابوری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۱۲) و نیز (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۷۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۲۸۰؛ صدوق، ۱۳۹۲، ج ۳۲، ص ۲).

۵-۲. «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ تُكْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا» (نساء: ۳۱).

سهل بن ابی خيثمه از پدرش روایت می‌کند که در مسجد کوفه بودم و امیرالمؤمنین علی(ع) بر منبر خطبه می‌کرد و می‌فرمود: کبائر هفت مورد است و چند بار این را تکرار کرد، سپس گفت: چرا نمی‌پرسید که آن‌ها کدامند؟ عرض کردند: آن‌ها کدامند؟ فرمودند: «شُرک به خدا، قتل نفس، تهمت زنان پاکدامن، خوردن مال یتیم، خوردن ربا، فرار از جبهه جنگ، برگشتن به کفر بعد پس از دوری کردن از آن» (ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۹۶؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۴؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۳).

این بیان مبتنی بر حدیثی از پیامبر(ص) می‌باشد که فرمودند: «از هفت گناه هلاک کننده (مویقات) اجتناب کنید، پرسیدند: یا رسول الله! آن هفت گناه کدامند؟ فرمود: شرک به خدا، کشتن کسی که خداوند کشتنش را حرام کرده، سحر، رباخواری، خوردن مال یتیم، پشت به جنگ کردن در روز جنگ، نسبت دادن زنا به زنان پاکدامن و بی خبر از فحشاء» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۹۵؛ مسلم نیشابوری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۴؛ نسایی، ۱۳۴۸، ج ۶، ص ۷۵۷؛ ابو داود، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۵۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۹۶؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۷۸۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۶۷؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۲۷؛ تبریزی، بی‌تا، ص ۱۷۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۷؛ شنیطی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۱۷۵) و نیز (طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۱۳؛ بروجردی، ۱۴۰۰، ج ۱۳، ص ۳۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۱۱۳؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۶۱؛ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۶۴).

۶. ملاحظه اسباب نزول

فهمیدن اسباب نزول و مناسبات بین آیات و رخدادهایی که به وقوع پیوسته کمک مهمی در فهم و درک آیات و استنباط احکام می‌کند و بر این امر، تمام مسلمانان اتفاق نظر دارند و حضرت علی(ع)، از آنجا که بزرگ شده پیامبر(ص)، یار و یاور پیامبر(ص) در تمام حوادث صدر اسلام و نیز خویشاوند و داماد ایشان بوده‌اند، در مرتبه‌های

شناخت اسباب نزول قرار داشتند تا جایی که می‌فرمایند: «سلونی، سلونی، سلونی عن کتاب الله تعالی، فوالله، ما من آية إلا و أنا أعلم أنزلت به لیل أو نهار».

همچنین در روایتی از ایشان آمده است: «والله ما أنزلت آية إلا وقد علمت فيم نزلت و این نزلت» (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۳۳۸؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۵؛ سمعانی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۵۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۶۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۶۷، ۴۶۸؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۷۳) و نیز (أمین، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۷؛ حویزی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۲؛ عیاشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۶۳).

ذیلاً به دو مورد از گزارش‌های شأن نزولی امام (ع) اشاره می‌شود:

۱-۶. «بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ وَ هُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ» (آل عمران: ۱۵۰).

از علی (ع) نقل شده که این آیه در حق منافقین نازل شد که به مؤمنان در جنگ احد گفتند که به سوی برادرانتان و دین پیشین خود برگردید (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۸۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۸۷؛ نسفی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۸۴؛ و نیز: طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۱۳).

۲-۶. «وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» (آل عمران: ۹۷).

از علی (ع) نقل شده هنگامی که آیه «وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» (آل عمران: ۹۷) نازل شد گفتند: هر سال؟ پیامبر (ص) سکوت کردند، باز پرسیدند: هر سال؟ تا چهار بار، پس پیامبر (ص) فرمود: نه! اگر می‌گفتم آری، هر سال بر شما واجب می‌شد، پس این آیه نازل شد: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ» (مائده: ۱۰۳)، (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۱۴).

۳-۶. «هَذَا نِ حِصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ... وَ ذُو قُوَّةٍ عَذَابَ الْحَرِيقِ» (حج: ۱۹-۲۲)

از علی (ع) نقل شده این آیه در حق ما و در رابطه با جنگ با کفار در غزوه بدر نازل شد (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۳۱۸؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۶).

۷. توجه به فرهنگ و رسوم اعراب و ملت هم جوار آن‌ها

آشنایی با فرهنگ و رسوم اعراب و ملت هم جوارشان مانند یهود و نصاری نقش مهمی در فهم قرآن کریم دارد و امام علی(ع) در آن عصر و زمان می‌زیسته و با بسیاری از فرهنگ آن‌ها آشنایی داشته و خیلی از عادات آن‌ها را که قرآن از آن نهی کرده، می‌شناخته است. ابن ابی حاتم روایت می‌کند که ابن وائل با پدر فرزدق منافره کردند و هر کدام صد شتر را نحر نمودند و حضرت علی(ع) بر استر رسول خدا(ص) سوار بود، آمد و ندا داد: «ای مردم از گوشت این شتران نخورید چون برای غیر خدا ذبح شده‌اند». این بیان امام علی(ع) نشان از آشنایی ایشان بر عادات عرب داشته و با استناد به آیه: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (مائده: ۳)، چنین منافره ای را نه برای خدا بلکه برای شیطان دانسته و از آن نهی فرموده است (ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۷؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۱۲؛ ابن حزم، بی تا(الف)، ج ۷، ص ۴۱۷؛ بوصیری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۰۷) و نیز (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۵۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۲، ص ۳۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۴، ص ۱۳؛ خوئی، ۱۳۹۵، ج ۸، ص ۱۶۷).

۸. علم خاص امام(ع)

برخی از تفاسیر و مصداق‌یابی‌های منسوب به امام علی(ع) مبتنی بر دانش و علمی از نزد خود ایشان(ع) است که علی القاعده باید این علم، برگرفته از پیامبر(ص) و آموزه‌های تفسیری ایشان باشد. ذیلاً برخی از این نوع تفسیر ذکر می‌شود. باید توجه داشت که در تفسیر و مصداق‌یابی‌های موارد ذیل اقوال دیگری نیز ذکر شده است:

۸-۱. «وَ الذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا» (ذاریات: ۱).

ثوری از حبیب بن صامت از ابی طفیل روایت می‌کند که شنیدم که ابن الکواء از امام علی(ع) درباره معنای «وَ الذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا» پرسید، حضرت فرمود: منظور از «ذاریات»، بادها است و از «فَالْحَامِلَاتِ وَ قُرَّأًا» پرسید. فرمود: ابرها است و از «فَالجَارِيَاتِ يُسْرًا» پرسید. فرمود: کشتی‌ها است و از «فَالْمُقَسَّمَاتِ أُمْرًا» پرسید. فرمود: ملائک است (ابن

عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۴، ص ۸۶؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۰۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۴۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۳۵۷؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۱۳۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۶۷) و نیز (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۶۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۲۲۹؛ فیض کاشانی، بی تا، ج ۶، ص ۶۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۱۸، ص ۱۹۵).

۲-۸. «فَلَا أُفْسِمُ بِالْخَنَّسِ» (تکویر: ۱۵).

حسن از علی (ع) درباره معنای آیه روایت می‌کند که منظور ستارگان دارای حرکتند و در سیر خود رجوع و بازگشت دارند، هنگام شب می‌درخشند و به هنگام طلوع سپیده صبح و آفتاب مخفی و پنهان می‌شوند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۴، ص ۲۵۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۹، ص ۲۰۵؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۲، ص ۲۲۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۵۳۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۴۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۶، ص ۳۲۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۹۳) و نیز (طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۲۰، ص ۱۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵، ص ۱۰۷).

۳-۸. «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» (دخان: ۲۹)

نقل شده که امام علی (ع) ذیل این آیه فرموده است: هنگامی که بنده صالحی می‌میرد مصلائی او در زمین و محل صعود اعمالش در آسمان بر او گریه می‌کنند (ابن الجوزی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۵۱؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۹۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۴۵۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۴۳۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۱۲۱). ظاهراً چنین تفسیری در منابع شیعه ذیل این آیه ذکر نشده است.

۴-۸. «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف: ۶۷).

از امام علی (ع) درباره این آیه پرسیده شد، پس فرمود: دو دوست مؤمن و دو دوست کافر است، که هرگاه از دو دوست مؤمن یکی بمیرد و بشارت به بهشت بگیرد و از زمره بهشتیان شود، از دوست مؤمنش یاد می‌کند که ای خدا دوستم فلانی مرا به کار خیر تشویق می‌کرد و از شر و بدی بر حذر می‌داشت و مرا امر به اطاعت از تو و از

رسولت می‌کرد و مرا خبر می‌داد که تو را ملاقات خواهم کرد؛ خدایا او را بعد از من گمراهش مگردان و همان طور که مرا هدایت کردی او را نیز هدایت کن و همانطور که مرا گرامی داشتی او را نیز گرامی بدار؛ و هرگاه آن یکی نیز بمیرد، با هم در بهشت در کنار هم خواهند بود پس چه نیکو برادر و دوست و رفیقی است.

در ادامه امام علی(ع) فرمود: سپس یکی از دو دوست کافر می‌میرد و وارد دوزخ می‌گردد و می‌گوید: خدایا دوست و رفیقم فلانی مرا به شر و بدی امر می‌کرد و از خیر و خوبی باز می‌داشت و مرا وادار به معصیت تو و پیامبرت(ص) می‌کرد و می‌گفت تو را ملاقات نخواهم کرد. خداوندا همانطور که مرا گمراه ساخته است تو نیز گمراهش بگردان و هرگاه این دوستش بمیرد در جهنم در کنار همدیگر خواهند بود؛ پس چه دوست و رفیق و یاری بدی خواهند بود (طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۵، ص ۱۲۱؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۶۴؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۶، ص ۷۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۴۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۱۰۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۴؛ نحاس، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۸۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۲۸۵؛ صنعانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۹۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۹). ظاهراً چنین تفسیر در منابع شیعه ذیل این آیه ذکر نشده است.

۵-۸. «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» (عادیات: ۱).

حضرت در تفسیر این آیه می‌فرمایند: مقصود شترانی است که از عرفات به مشعر و از مشعر به منی می‌روند (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۴۸۴؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۸؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۲۰، ص ۱۵۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۶۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۵۴؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۴۴۶) و نیز (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۴۲۳؛ حویزی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۶۵۶).

۶-۸. «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعرا: ۸۸-۸۹).

علی(ع) در تفسیر این آیات می‌فرماید: مال و فرزندان کشت دنیا هستند و عمل صالح کشت آخرت و گاه خداوند این هر دو را برای قومی جمع می‌کند (سیوطی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۷۸۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۲۶؛ ابن

عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۰۲) و نیز (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۵۶؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۱۷).

۷-۸. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ» (بقره: ۲۱۹).

از امام (ع) در تفسیر آیه نقل شده که فرموده‌اند: شطرنج هم جزء میسر است (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۲۸۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۷۸؛ خازن، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۸۰؛ ابن عادل، بی تا، ج ۳، ص ۴۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۵۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۵۰؛ جصاص، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۸۲) و نیز (حویزی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۵؛ عیاشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۳؛ میرزا محمد مشهدی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۰؛ عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۵۹؛ قبانچی، ۱۴۱۹، ج ۱۶۳، ص ۲؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۶، ص ۶۲۴).

نتیجه گیری

کتاب تفسیری مستقلاً که منسوب به حضرت علی (ع) باشد، وجود ندارد اما با نگاه به اقوال و روایات تفسیری برجای مانده از امام علی (ع) که در این مقاله به اختصار و به صورت گزینشی به برخی از آنها اشاره شد، دانسته می‌شود که تفاسیر منسوب به ایشان بسیار و روش‌های تفسیری حضرت متنوع است همچون؛ ارجاع به آیات، سنت رسول الله (ص)، لغت عرب، علم خاص و... و به نظر می‌آید که این وجه اخیر، وجه غالب تفاسیر ایشان باشد.

از سویی دیگر، با توجه به آن که امام (ع) یکی از پیشتازان امر تفسیر قرآن در میان مسلمانان شمرده می‌شود، پر واضح است که روش‌های ایشان در تفسیر، در رویکرد تفسیری مفسرین پس از خود تأثیر بسزایی گذاشته است. همچنان که از تفاسیر ایشان نسبت به آیات و مفردات فریقین به فراوانی استفاده کرده‌اند.

این تفاسیر، علاوه بر این که بر روش تفسیر امام علی (ع) دلالت دارند، همچنان می‌توانند بر روش غالب تفسیر نزد سلف و نیز دانش و توانایی برجسته آن حضرت در امر فهم و تفسیر قرآن دلالت کند.

کتابنامه

قرآن مجید.

آلوسی، محمود (١٤١٥)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.

ابن أبی جمهور، محمد بن علی (١٤٠٣)، *عوالی اللئالی*، مجتبی العراقی، قم: سید الشهداء، چاپ اول.

ابن أبی حاتم، محمد بن ادريس (بی تا)، *تفسیر، أسعد محمد الطیب، صیدا: المكتبة العصرية*.
ابن أبی حاتم، عبدالرحمن الرازی (١٤١٩)، *تفسیر ابن أبی حاتم، أسعد محمد الطیب، صیدا: المكتبة العصرية*.

ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی (١٤٢٥)، *تذکرة الأریب فی تفسیر الغریب، بی جا. همو (١٤٢٣)، نواسخ القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة*.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (١٤٠٤)، *تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر، چاپ اول. همو (١٣٧٩)، فتح الباری، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر، چاپ دوم*.

همو (١٤١٥)، *الإصابة، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود، علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول*.

ابن حزم، علی اندلسی (بی تا-الف)، *الاحکام، قاهره: مطبعة العاصمة*.

همو (بی تا-ب)، *المحلی، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: دار الفکر*.

همو (١٤٠٦)، *الناسخ و المنسوخ، تحقیق عبد الغفار سلیمان به ندری، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول*.

ابن حنبل، احمد (١٤٢١)، *المسند، بیروت: الرسالة، چاپ اول*.

ابن سعد، محمد (١٩٦٨م)، *الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر*.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (١٤٠٤)، *تحف العقول، تحقیق علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ دوم*.

ابن عادل، عمر بن علی (بی تا)، *تفسیر اللباب، بیروت: دار الکتب العلمیة*.

ابن عاشور، محمد الطاهر (١٩٨٤)، *التحریر و التنویر، تونس: الدار التونیسیه للنشر*.

ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (١٣٨٧)، *التمهید، تحقیق مصطفی بن أحمد العلوی و محمد عبد الکبیر البکری، مغرب: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامیة*.

ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر.
ابن عطیه اندلسی، غالب بن عبدالرحمن (۱۴۱۳)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز،
تحقیق عبد السلام عبد الشافی محمد، لبنان: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
ابن العربی، محمد (بی‌تا)، أحكام القرآن، محمد عبد القادر عطا، لبنان: دار الفکر للطباعة و
النشر.

ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۲)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشلی،
بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
أبو حیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۲)، البحر المحیط، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود و
علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
أبو خثیمه نسائی، علی بن محمد (بی‌تا)، العلم، بیروت: دار العلم.
ابوداود سجستانی، سلمان بن الأشعث (۱۴۱۰)، السنن، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت: دار
الفکر، چاپ اول.

ازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
امین، محسن (بی‌تا)، أعیان الشیعة، تحقیق حسن الامین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
امینی، احمد (۱۳۸۷)، الغدیر، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
بجنوردی، محمد حسن (۱۴۱۹)، القواعد الفقہیة، تحقیق مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی،
قم: نشر الهادی، چاپ اول.

بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۳)، مدینة المعاجز، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱)، الصحیح، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
بروجردی، حسین (۱۴۰۰)، جامع أحادیث الشیعة، قم: چاپخانه علمیه.
بوصیری، أحمد بن أبی بکر (۱۴۲۰)، اتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة، بیروت: دار
الوطن.

بهائی، محمد بن حسین (۱۴۲۳)، زبدة الأصول، تحقیق فارس حسون کریم، بیروت: مدرسه
ولی العصر (ع) العلمیة، چاپ اول.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
بیهقی، احمد بن حسین (بی‌تا)، السنن الصغری، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.

- همو (۱۴۲۴)، السنن الكبرى، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
- تبریزی، محمد بن عبدالله خطیب (بی تا)، الإكمال فی أسماء الرجال، تعلیق أبی أسد الله بن الحافظ محمد عبد الله الأنصاری، مؤسسة أهل البيت علیهم السلام.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸)، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق عبد الفتاح أبوسنة، علی محمد معوض، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲)، تفسیر الثعلبی، تحقیق أبی محمد بن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- ثوری، سفیان (۱۴۰۳)، التفسیر، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵)، أحكام القرآن، تحقیق عبد السلام محمد علی شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۲)، الصحاح فی اللغة، بی جا: بی نا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ دوم.
- حسکانی، عبید الله بن احمد (۱۴۱۱)، شواهد التنزیل، تحقیق محمد باقر محمودی، قم: مؤسسة الطبع والنشر التابعة وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، چاپ اول.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۲)، نور الثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسة إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ چهارم.
- خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- خواجویی مازندرانی، محمد اسماعیل (بی تا)، الدرر الملتقطه فی تفسیر الآيات القرآنیة، تحقیق سید مهدی الرجائی، بی جا: بی نا.
- خوئی، سید أبو القاسم (۱۳۹۵)، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزهراء للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ چهارم.
- همو (۱۴۱۳)، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر الثقافة الإسلامیة، چاپ پنجم.
- دارمی، عبد الله بن بهرام (۱۳۴۹)، السنن، دمشق: مطبعة الاعتدال.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۷)، تاریخ الإسلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول.

- زركشى، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶)، البرهان فى علوم القرآن، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار إحياء الكتب العربية، چاپ اول.
- زمخشري، محمود بن عمر (۱۳۸۵)، الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي وأولاده.
- سبحاني، جعفر (۱۴۱۶)، البدعة، قم: مؤسسة إمام الصادق (ع).
- سمعاني، منصور بن محمد (۱۴۱۸)، تفسير السمعاني، تحقيق ياسر بن إبراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم، سعودى: دار الوطن، چاپ اول.
- سيوطى، جلال الدين (۱۴۱۶)، الإتيان فى علوم القرآن، چاپ اول، لبنان: دار الفكر.
- همو (بى تا)، الدر المنثور، بيروت: دار المعرفة.
- شنيطى، محمد امين بن محمد مختار (۱۴۱۵)، اضواء البيان، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر.
- شوكانى، محمد بن على (۱۴۱۴)، فتح القدير الجامع بين فنى الرواية و الدراية من علم التفسير، بيروت: عالم الكتب.
- صدوق، محمد بن على (۱۴۰۳)، الخصال، تصحيح على أكبر الغفارى، قم: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية.
- همو (۱۳۹۲)، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على أكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، چاپ دوم.
- صنعانى، عبد الرزاق بن همام (۱۴۰۳)، المصنف، تحقيق حبيب الرحمن اعظمى، بيروت: المكتب الاسلامى، چاپ دوم.
- همو (۱۴۱۰)، تفسير القرآن، تحقيق مصطفى مسلم محمد، چاپ اول، رياض، مكتبة الرشد للنشر والتوزيع.
- طباطبائي، محمد حسين (۱۳۹۲)، الميزان، قم: منشورات جماعت مدرسين.
- همو (۱۴۱۹)، سنن النبى (ص)، تحقيق محمد هادى نجفى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
- طبرسى، فضل بن حسن (۱۴۱۵)، مجمع البيان، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- طبرى، محمد بن جرير (۱۴۱۵)، جامع البيان، تحقيق صدقى جميل العطار، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- طحاوى، احمد بن محمد بن سلامة (۱۴۱۵)، بيان مشكل الآثار، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بى جا: بى نا.

- همو (۱۴۲۶)، شرح معانی الآثار، تحقیق محمد زهری النجار، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷)، عدة الأصول، تحقیق محمد رضا الأنصاری، قم: چاپ اول.
- عبد الباقي، محمد فؤاد (۱۴۱۷)، اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- عطار دی، عزیز الله (۱۴۰۶)، مسند الإمام الرضا (ع)، مشهد: مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی.
- علی بن ابی طالب (ع) (۱۳۸۰)، سنن الإمام علی (ع)، لجنة الحدیث معهد باقر العلوم (ع)، بی جا: بی نا، چاپ دوم.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۱۲)، التفسیر، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبة العلمیة الإسلامیة.
- غرناطی الکلبی، قاسم بن احمد (۱۴۰۳)، التسهیل لعلوم التنزیل، لبنان: دار الکتب العربی، چاپ چهارم.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۷)، المستصفی، تصحیح محمد عبد السلام عبد الشافی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فیض کاشانی، محسن (بی تا)، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه الهادی.
- قبنجی، سید حسن (۱۴۱۹)، مسند الإمام علی (ع)، تحقیق طاهر السلامی، بی جا: مرکز الأبحاث العقائدیة.
- قتاده، ابن دعامة سدوسی (۱۴۰۹)، الناسخ والمنسوخ، تحقیق حاتم صالح ضامن، بیروت: مؤسسه الرسالة، چاپ سوم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵)، الجامع لأحكام القرآن، تصحیح احمد عبد العلیم البردونی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵)، فقه القرآن، تحقیق أحمد حسینی، قم: مکتبة آية الله العظمی النجفی المرعشی، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تحقیق علی أكبر الغفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ پنجم.

مالک، ابن أنس (۱۴۰۶)، الموطأ، رواية محمد بن الحسن، تحقيق تقي الدين الندوي، دمشق: دار القلم، چاپ اول.

ماوردي، علي بن محمد (۱۴۱۹)، النكت والعيون، بيروت: دار الكتب العلمية.

متقي هندی، ابن حسام الدين (۱۴۰۹)، كنز العمال، تصحيح صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة.
مجاهد، ابن جبر المخزومي (۱۴۱۰)، تفسير مجاهد، دكتور محمد عبدالسلام ابوالنيل، مصر: دار الفكر الاسلامي.

مجلسي، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، تحقيق بدرالزهراء العلوي، بيروت: دارالرضا.

مسلم نيشابوري، ابن حجاج (۱۳۷۴)، الصحيح، بيروت: دار احياء التراث العربي.

ميرزا محمد مشهدي، ابن محمد (۱۴۰۷)، كنز الدقائق، تحقيق مجتبي العراقي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.

نحاس، احمد بن محمد ابو جعفر (۱۴۰۹)، معاني القرآن، تحقيق محمد علي صابوني، سعودي: جامعة أم القرى، چاپ سوم.

نسائي، احمد بن شعيب (۱۳۴۸)، السنن، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول.

نسفي، عبدالله بن احمد أبو البركات (۱۴۱۹)، مدارك التنزيل وحقائق التأويل، بيروت: دار الكلم الطيب، چاپ اول.

نمازی شاهرودي، علي (۱۴۱۹)، مستدرک سفینه البحار، تحقيق حسن بن علي نمازی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.

نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بيروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ دوم.

واحدی، علي بن أحمد (۱۴۱۱)، أسباب نزول القرآن، تحقيق كمال بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ دوم.